



نفرین در زبان عامیانه بر اساس روش تحلیل محتوا^۱

مریم جعفرزاده^۲، حسین قربان پورآرانی^۳، عباس زارعی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

چکیده

بخش قابل توجهی از فرهنگ و روحیات گویشوران در جامعه زبانی را می‌توان در زبان آن‌ها یافت؛ از این روی، نفرین‌ها به عنوان یک بخش از زبان و فرهنگ، قابل بررسی است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف طبقه‌بندی مضمونی نفرین‌های فارسی به شیوه تحلیل محتوا در چارچوب نظری رابطه متقابل زبان و فرهنگ (زبان‌نگ) انجام شد. نخست، با بررسی تمام گونه‌ها و نمونه‌های نفرین‌های ثبت شده در فرهنگ‌های معتبر زبان عامیانه، دوست و بیست و پنج نفرین گردآوری شد. پس از گردآوری داده‌ها و انتخاب هر نفرین به عنوان واحد تحلیل، با استفاده از شیوه کدگذاری محوری مضامین اولیه بر اساس محتوا استخراج و در مرحله دوم کدگذاری مضامین اصلی نفرین‌ها مشخص شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که دوست و بیست و پنج نوع نفرین ثبت شده در منبع‌های دیگر را می‌توان بر مبنای طبقه‌بندی محتوایی نفرین‌های فارسی، در ده مضمون اصلی مرگ، درد و بیماری، خیرنشدن و بدبختی، عضو و نقص فیزیکی، رزق و روزی، مصیبت، حساب و کتاب، شرافت خانوادگی، بی‌سعادت و پس از مرگ دسته‌بندی کرد. این ده مضمون و فراوانی‌های مربوط به آن‌ها انعکاسی از درجه تأثیر

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2021.36003.2042

^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)؛

jafarzadeh@grad.kashanu.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛

ghorbanpoor@kashanu.ac.ir

^۴ دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛

zare-ee72@kashanu.ac.ir

ارتباط متقابل فرهنگ و زبان در استفاده از نفرین هاست. یافته‌ها نشان داد که فراوان‌ترین مضمون در نفرین‌های زبان فارسی از آن طبقه مرگ است (فراوانی = ۹۴ نوع، معادل ۷۷٪ ۴۱ درصد). نفرین‌های دارای کمترین فراوانی در بردارنده مضمون بی‌سعادت و مضمون زندگی پس از مرگ هستند که هر یک فقط ۱.۳۳ درصد داده‌ها را تشکیل می‌دهند. اگرچه این یافته‌ها نمایانگر فراوانی بالای نفرین‌های مربوط به مرگ در زبان فارسی هستند، پژوهش‌های بیشتری برای درک بهتر آن‌ها در پیکره‌های نوشتاری و گفتاری فارسی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: زبان فارسی، فرهنگ عامیانه، زبانهنگ، نفرین، تحلیل محتوا.

۱. مقدمه

در روابط تنگاتنگ زبان و فرهنگ، ساختارها و پاره‌گفته‌های زبانی، نما و شمای فرهنگی یک قوم را نشان می‌دهند؛ به گونه‌ای که یکی از شاخه‌های مهم پژوهشی مربوط به شناخت فرهنگ اقوام، بررسی نمودهای فرهنگی در زبان است. ادبیات عامیانه بخش عمده‌ای از فرهنگ و ادبیات فارسی است و به دلیل اینکه پدیدآورندگان و مخاطبان اصلی‌اش مردم اند، گستردگی آن غیر قابل انکار است. به باور ترادگیل (Trudgill, 1997) افرادی که در یک جامعه زبانی نسبتاً باثبات زندگی می‌کنند و به طور کلی رفتار اجتماعی منظمی دارند، معمولاً پیام‌ها و افکار و احساسات خود را به وسیله زبان مشترکی به یک‌دیگر منتقل می‌نمایند (Modarressi, 2012, p. 23). زبان نقشی اساسی در پایه‌ریزی دستگاه افکار و اندیشه‌ها یا نظریه‌هایی که انسان به جهان تحمیل می‌کند، دارد (Fowler, 2016, p. 50) و به عنوان یک پدیده اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با ساخت اجتماعی و نظام ارزش‌های جامعه دارد (Trudgill, 1997, p. 25). در حقیقت، خصلت اجتماعی زبان سبب پیوند آن با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی-فرهنگی شده است و این پیوستگی به گونه‌ای است که می‌توان زبان (و واژگان زبان) را آینه‌ای برای بازتاب پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی جامعه دانست (Modarressi, 2012, p. 23). بی‌گمان رد پای فرهنگ و روحیات اهالی هر جامعه زبانی را می‌توان در زبان آن‌ها یافت؛ چنان‌که «با واکاوی دقیق هر زبان می‌شود تا حدی به فرهنگ پشت آن پی برد» (Pishghadam, 2012, p. 52). پیشقدم (Pishghadam, 2012) رابطه بین زبان و فرهنگ را با مفهوم «زبانهنگ» مطرح می‌کند. به باور وی «زبانهنگ» از دو واژه «زبان» و «فرهنگ» تشکیل یافته و «نمایش فرهنگی از یک زبان» معرفی می‌شود (Pishghadam, 2012, p. 52). پیشقدم (Pishghadam, 2012) همچنین علم واکاوی و بررسی زبانهنگ‌ها را «فرهنگ کاوی زبان» می‌نامد. او بر این باور است که

مجموع چندین زبانهنگ، تصویری کلی تر از فرهنگ یک جامعه در اختیار فرهنگ‌کاوان قرار می‌دهد؛ بنابراین، آنچه ماورای زبانهنگ قرار می‌گیرد، «فرازبانهنگ» نامیده می‌شود. بر این مبنا، چندین پاره‌گفته زبانی تشکیل‌دهنده یک زبانهنگ هستند و چندین زبانهنگ یک فرازبانهنگ را به وجود می‌آورند. وی همچنین بیان می‌کند که به همین سبب، حوزه مفهومی زبانهنگ‌ها که معمولاً ویژگی‌های بارز فرهنگی و قوم‌شناختی را نشان می‌دهد، در پژوهش‌های بین‌زبانی و بین‌فرهنگی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و ابزار مناسبی برای جستجو در جهان‌بینی یک فرهنگ به شمار می‌آید؛ بنابراین، «با توجه به اهمیت زبان و واژه‌ها و تأثیر آن‌ها در شکل‌گیری شناخت و در نهایت، تغییر رفتار افراد، به نظر می‌رسد آشنایی با واژه‌های ارزشی در زبان فارسی می‌تواند به ما در شناخت بهتر جامعه، فرهنگ و عوامل مؤثر بر آن‌ها یاری رساند (Pishghadam & kermanshahi, 2016, p. 28). در بررسی مضامین متفاوت به کاررفته در نفرین‌های زبان فارسی و در کاربرد نفرین در مفهوم عام آن تعریف‌های بالا از زبانهنگ و فرازبانهنگ می‌تواند راه‌گشا باشد. این پژوهش، به بررسی زبانهنگ نفرین در فرهنگ و زبان فارسی می‌پردازد تا افزون بر طبقه‌بندی محتوایی نفرین‌های فارسی و تحلیل محتوای آن‌ها دریچه‌ای رو به درک باورهای فکری فرهنگ و زبان فارسی باز نماید. در این پژوهش برآنیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: نخست اینکه، پراکندگی انواع در نفرین‌ها چگونه‌اند؟ دوم آنکه، کدام انواع نفرین‌ها دارای نمونه‌های بیشتری هستند؟ و سوم اینکه، چه ارتباط فرهنگی می‌توان بین انواع نفرین و فراوانی آن‌ها برقرار کرد؟

۲. پیشینه بحث

۲.۱. کاربرد نفرین در زبان

«زبان همواره به عنوان نشانی کلیدی از هویت اجتماعی ما عمل می‌کند (Chandler, 2007, p. 226). نفرین در همه زمان‌ها و زبان‌ها وجود داشته و افراد هر جامعه با هر فرهنگی از نفرین استفاده می‌کنند؛ در صورتی که از نظر مبانی نظری زبان‌شناختی، نفرین را بخشی از پدیده عمومی ادب کلامی دانسته‌اند که یک واقعیت زبانی جهان‌شمول است؛ به این معنا که در حال حاضر هیچ زبان زنده یا منقرض شده‌ای در جایی شناخته نشده است که ادب و بی‌ادبی شامل نفرین در آن به طور شفاهی و کلامی بیان نشده باشد (نگاه کنید به (D'Anna, 2014)). درحقیقت، شاید بتوان گفت وجه مشترک همه زبان‌ها استفاده از نفرین است. در زبان فارسی، برخی پژوهشگران، واژه‌ها و پاره‌گفته‌های عامیانه از جمله نفرین‌ها را گردآوری کرده و در فرهنگ‌های مختلف ارائه نموده‌اند: امینی در «فرهنگ عوام» (Amini, 1974) نفرین‌ها را در کنار دیگر واژه‌ها و اصطلاح‌های عامیانه چون دشنام‌ها و تحقیرها و موارد مشابه می‌آورد. ثروت و انزابی‌نژاد (Servat & Enzabi

Nejad, 1998) نیز در «فرهنگ لغات عامیانه و معاصر» به معنای واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه و واژه‌های نو و متداول در آثار نویسندگان معاصر فارسی می‌پردازند. «فرهنگ فارسی عامیانه» (Najafi, 2001)، نیز از فرهنگ‌هایی است که می‌توان نفرین‌های فارسی را در آن مشاهده کرد. نفرین‌ها در «فرهنگ لغات عامیانه» (Jamalzadeh, 1962) نیز در کنار دیگر واژه‌های عامیانه معنا می‌شوند. در «کتاب کوچه» شاملو (Shamlou, 2018) به گردآوری واژه‌ها و اصطلاح‌ها، مثل‌ها، دشنام‌ها و نفرین‌ها و موارد مشابه و معناکردن آن‌ها پرداخته‌است؛ درحقیقت، نفرین، بخشی از کاربردهای زبانی روزمره ما را تشکیل می‌دهد و ما برای ابراز احساس خشم، ناراحتی و نارضایتی در زندگی روزمره از نفرین استفاده می‌کنیم و یا به راحتی آن‌ها را در اطراف خود در مکالمه‌ها، تلویزیون یا رادیو، و اینترنت و به ویژه در شبکه‌های اجتماعی می‌شنویم.

نویسنده کتاب «چرا ما نصرین می‌کنیم» معتقد است که نفرین نشان‌دهنده یک عمل روان‌شناختی و روانی-اجتماعی است. نفرین، به چندین نوع استفاده از گفتار توهین‌آمیز اشاره دارد و از نظر فنی، آرزوی صدمه‌زدن به شخص می‌کند (برای نمونه، گنگ شدن و مردن). به طور جامع نفرین دسته‌هایی مانند فحش، مبهم‌گویی، بدگویی، کفر، نامگذاری بد، توهین، پرخاشگری کلامی، زبان تابو، گفتار بد، شعارهای قومی-نژادی، زبان ابتذال، و زبان عامیانه پراکنده‌گویی را در بر می‌گیرد. جی (Jay, 2000) می‌افزاید: «نفرین عبارت است از قدرتی عاطفی و توهین‌آمیز که گوینده را قادر می‌سازد تأثیری عاطفی بر شنونده بگذارد که می‌تواند مثبت یا منفی باشد» (Jay, 2000, p. 9-10). برخی نفرین را توسل به یک قدرت فوق‌طبیعی برای وارد کردن صدمه یا شر به دیگری می‌دانند (Hughes, 2015, p.114).

۲.۲. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش در دو بخش خلاصه می‌گردد. بر اساس کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط، در بخش نخست به پژوهش‌های درباره مفهوم زبانهنگ و کاربرد آن در بررسی زبان و فرهنگ اشاره می‌شود. پس از آن منابعی که به طور خاص به پژوهش در زمینه نفرین پرداخته‌اند، معرفی می‌گردد. مفهوم «زبانهنگ» را نخستین بار پیشقدم (Pishghadam, 2012) برای توصیف ارتباط زبان و فرهنگ به کار برد. بحث اصلی وی بر اساس نظریه‌های جبر زبانی و نسیت زبانی سپیر-ورف و همچنین دیدگاه‌های هالیدی درباره ماهیت اجتماعی و فرهنگی زبان این بود که فرهنگ زبان را شکل می‌دهد و زبان نیز به نوبه خود اندیشه را تولید می‌کند و واسطه‌ای است برای درست اندیشیدن. او سپس ادعا کرد که با مهندسی معکوس و بررسی دقیق هر زبان می‌توان به فرهنگ هر جامعه چه در حال و چه در گذشته تا اندازه‌ای پی برد. به بیان دیگر، اگر منشأ پیدایش زبان و

اندیشه فرهنگ باشد، زبان می تواند بازتاب دهنده فرهنگ باشد و پژوهشگر می تواند با بررسی دقیق زبان شناختی زوایای مختلفی از فرهنگ را روشن کند (Pishghadam, 2012, p. 52).

پژوهش هایی که تاکنون با موضوع نفرین انجام شده است و در زیر به آن ها اشاره می شود، کمتر از این دیدگاه به این مفهوم نگریسته اند. شریفی و ابراهیمی (2012) & Ebrahimi) در مقاله «ارزیابی اعمال گفتاری نفرین و دعا به زبان فارسی» طبقه بندی خاصی از دعا و نفرین ارائه می دهند: دسته اول دعاها و نفرین هایی که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ، سنت و آئین ما دارند و دسته دوم دعاها و نفرین هایی که به تدریج تولید شده اند و هیچ ریشه فرهنگی خاصی برای آن ها قابل ردیابی نیست. این مقاله به طور کلی برای هر دو دسته، نمونه هایی را آورده و به این موضوع پرداخته که چه مضامین و محتواهایی نفرینی در ارتباط با این دو طیف قرار دارد. قنبری عدیوی (2007) Ghanbari Adivi) آفرین و ناآفرین را در فرهنگ مردم بختیاری بررسی می کند. در این پژوهش میدانی، به پاره گفته های کوتاه و روزمره در زندگی عشایر بختیاری که در مقام دعا یا نفرین مورد استفاده قرار می گیرد، توجه شده است. نویسنده نفرین ها را تصویری از مبحث مهم مردم شناسی معنوی می داند که می تواند به خاستگاه و عناصر واژگانی در فولکلور بختیاری اشاره کند.

پیشقدم و همکاران (2014) Pishghadam et al) در مقاله «نگاهی جامعه شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان های فارسی و انگلیسی» با بررسی ۲۰۰ فیلم فارسی و انگلیسی به بررسی کنش گفتار نفرین در جامعه و فرهنگ ایرانی و انگلیسی با توجه به مدل هایمز پرداخته، ارتباط آن را با جنسیت بیان می کنند. همچنین بافت های مختلفی که کنش گفتار نفرین در آن ها به کار برده شده اند، تحلیل می شوند و سپس، به کاربردهای آن کنش پرداخته می شود. دهرامی و فهیمی پور (2017) Dehrami & Fahimipour) در مقاله «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه» وجوه مختلف آن را در آثار دوران پیش از اسلام بررسی کرده اند. در این مقاله، انواع دعا و نفرین استخراج شده و از جنبه هایی مانند نقش آن در پیشبرد کارها، اهداف درخواست کنندگان، بلا یا نعمت های درخواست شده، کارکردها و جنبه های بلاغی آن بحث می شود. نتیجه پژوهش نشان داد که دعا و نفرین در آثار فارسی پیش از اسلام نیز وجود داشته تا جایی که در نخستین آثار ایرانی نیز بازتاب یافته است؛ در اوستا موجودات یا صاحبان صفات اهریمنی نفرین و اهورایی مورد دعا واقع شده اند. در کتیبه های هخامنشی نیز نفرین و دعا با کارکردهای مختلفی بازتاب یافته است؛ ولی تاکنون پژوهشی که به تحلیل محتوایی زبانهنگ نفرین در زبان فارسی به روش تحلیل کد گذاری پردازد، انجام نگرفته است. این مقاله هم از نظر روش گردآوری داده و هم از نظر روش انجام پژوهش، تازگی دارد.

۳. نفرین در فرهنگ اسلامی-ایرانی

نفرین، از نظر لفظی از واژه نفی «نه» یا «نا» و «آفرین» ترکیب یافته است (Moin, 2001) دهخدا، واژه «نفرین» را ضد آفرین و به معنای دعای بد می‌داند (Dehkhoda, 2000). در فرهنگ سخن نفرین به معنای دعای بد برای مرگ، ناکامی و بدبختی کسی یا چیزی آمده است (Anvari, 2003). همچنین، به معنای راندن و دور کردن همراه با ناراحتی است. نفرین در جامعه و فرهنگ ایرانی پیش و پس از اسلام کاربرد داشته است؛ به گونه‌ای که در قدیم‌ترین متن فارسی یعنی اوستا نیز بازتاب دارد. به باور دهرامی و فهیمی‌پور (Dehrami & Fahimipour, 2017) «در بخش‌هایی از اوستا، نفرین ظهور چشم‌گیری دارد و گاه در چندین بند متوالی انعکاس یافته است و تلاش و کوشش طبیعی در راستای نابودی دشمن به استفاده از نیروی فراطبیعی نفرین تبدیل یافته است» (Dehrami & Fahimipour, 2017, p. 69). در شاهنامه فردوسی نیز به عنوان یک متن ملی که نمایانگر فرهنگ ایرانی است، نفرین نمایانگر خشم و خروش قهرمان است. «شگفت‌انگیز این است که آغاز و فرجام شاهنامه به نفرین آمیخته است. یکی نفرین کیومرث نخستین کی داغدار پس از کشته شدن فرزندش سیامک به دست اهریمنان:

۱. کی نامور سر سوی آسمان بر آورد و بد خواست بر بدگمان

بر آن برترین نام یزدانش را بخواند و بیالود مژگانش را

و دیگری نفرین بزرگان بر دوده ماهوی بیدادگر، کشنده یزدگرد است که چون نقطه پایانی بر

این جمله دراز آهنگ شاهنامه نشسته است:

۲. بزرگان بر آن دوده نفرین کنند سر از کشتن شاه پر کین کنند

که نفرین بر او باد و هرگز مباد که او را نه نفرین فرستد به داد»

(Sarrami, 1989, p. 285)

لعن و نفرین مانند دعا در دین اسلام و منبع‌ها و متن‌های این دین نیز به رسمیت شناخته شده و قابل بررسی است. لعن اگر از جانب خداوند متعال باشد -چنان که از آیات قرآن کریم بر می‌آید (سوره الأحزاب، آیه ۵۷، سوره آل عمران، آیه ۸۷؛ سوره هود، آیه ۱۸) به معنای دور ساختن کسی از رحمت خویش در دنیا، و در آخرت، گرفتار نمودن به عذاب و کیفر است و اگر از طرف بندگان باشد، به معنای نفرین و دعا به ضرر و بر ضد دیگران است (Ragheb, 1992). با وجود آیه‌ها و دعاهایی که در دین اسلام به لعن فاسقین و ظالمین و موارد مشابه می‌پردازد، نفرین در آموزه‌های دین اسلام ناپسند و فقط نفرین کردن رؤسای ظلم و ضلالت، روا دانسته شده است؛ چرا که بر اساس آموزه‌های اسلامی، گاهی فرد در نفرین بر ظالم تا اندازه‌ای زیاده‌روی می‌کند که

پروردگار خود او را نیز از ستمکاران به شمار می‌آورد (Naraqi, 2007, p. 385)؛ ولی در بافت‌های مختلف زبانی هم به صورت نوشتاری و هم گفتاری موارد گوناگونی از نفرین را می‌توان در گفتمان یافت. بررسی پیشینه پژوهشی مرتبط با نفرین و همچنین مجموعه‌های متفاوتی از نفرین‌هایی که توسط فرهنگ‌نویسان تهیه شده‌است، نمایانگر کاربرد آن به ویژه در زبان عامیانه است. به کوتاه سخن، در فرهنگ ایرانی و در جامعه دینی، نفرین کردن چیزی است که بنا به انتظار باید از آن دوری کرد؛ ولی «ایرانیان هنوز هم برای بیان احساس خشم، ناامیدی، تعجب، نفرت، و نارضایتی از یک وضعیت از زبان بد استفاده می‌کنند» (Bagatin, 2019, p. 59). به هر حال، عوامل استفاده از نفرین در فرهنگ ایرانی قابل بررسی است. بررسی زبان‌شناختی نفرین‌ها در چارچوب نظری این پژوهش، نه تنها به درک بهتری از کاربرد روزمره زبان فارسی کمک می‌کند؛ بلکه می‌تواند ارزش فرهنگی و قوم‌شناسی یافته و زوایایی از ارتباط ظریف فرهنگ و زبان را در این بافت نشان دهد.

۴. روش انجام پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و پرسش‌های مورد بررسی که مستلزم کاوش در داده‌های زبانی و تحلیل متن نفرین‌ها بود، روش تحقیقی تحلیل محتوا به کار گرفته شد. این روش، یکی از پرکاربردترین شیوه‌های کیفی پژوهش درباره داده‌های زبان‌شناختی است. «تحلیل محتوا یک فرآیند مکانیکی و فنی نیست؛ بلکه فرایندی از استدلال استقرایی، تأمل و نظریه‌پردازی است» (Seyed Seyed-Emami, 2007, p. 462). «پژوهشگر در تحلیل محتوای خود به دنبال شناخت عوامل مختلفی است که شامل خطوط کلی بر فکر، اندیشه، جهان‌بینی، دنیای ذهنی و نگرش‌های ایده‌آلیستی صاحب محتوای آن می‌باشد» (Saroukhani, 2003, p. 286-290). در پژوهش حاضر، دلیل استفاده از این طرح تحقیقی کمک به دستیابی به مضامین موجود در نفرین‌ها بود.

داده‌های پژوهش حاضر، نفرین‌های ثبت شده در کتاب‌های مرجع زبان فارسی بود. برای گردآوری داده‌های این پژوهش (نفرین‌های مرسوم در فارسی)، کتاب‌های فرهنگ عوام، فرهنگ لغات عامیانه، فرهنگ کوچه، فرهنگ لغات عامیانه و معاصر و فرهنگ فارسی عامیانه بررسی و نفرین‌ها استخراج شدند. افزون بر تنظیم الفبایی آن‌ها، موارد تکراری حذف و در پایان، دویست و بیست و پنج نفرین برای بررسی دقیق‌تر مشخص گردید. لازم به گفتن است که نفرین‌ها در برخی از کتب فرهنگ به صورت مصدر آمده بود و در برخی به صورت خطابی؛ این دو را یکسان دانسته و یک بار در شمارش آورده‌ایم. برای نمونه، «گور به گور شده» یا «پرپر زده» در برخی فرهنگ‌ها

به شکل مصدری «گور به گور شدن» یا «پرپرزدن» آمده که ما صورت مفعولی آن را با شکل مصدری یکسان دانسته، یک بار در شمارش آورده‌ایم؛ اما مواردی چون «الهی ذلیل شی» با «ذلیل شدن» به دلیل اینکه واژه «الهی» بر بارمعنایی و شدت نفرین می‌افزاید دو بار بررسی و شمارش شد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر به روش کدگذاری انجام گرفت. کدگذاری در تحلیل محتوا «بر اساس مفاهیم و معانی مورد نظر و عملیاتی نمودن متغیرها انجام می‌گیرد؛ بنابراین پژوهشگر به پالایش مفاهیم می‌پردازد و ارتباط موجود میان مفاهیم را به دست می‌آورد و با استفاده از کدگذاری یا طبقه‌بندی مفاهیم مورد نظر، به عملیاتی نمودن بررسی محتوا دست می‌یابد» (Babbie, 2005, p. 2 & 663-774). هر نفرین به عنوان یک واحد تحلیل در نظر گرفته شد. پس از توافق بر روی شیوه کدگذاری، نفرین‌ها به دقت توسط دو نفر از پژوهشگران خوانده و بر اساس محتوا و مضمون آن، کدگذاری و مضامین موجود در آن‌ها استخراج شدند. برای اطمینان از روایی کدگذاری و طبقه‌بندی، داده‌های کدگذاری شده دو پژوهشگر مقایسه شد و ضریب توافق نود و پنج درصد بین دو کدگذار نشان از اعتبار مضامین مستخرج از نفرین‌ها بود. در مواردی که تناقض در کدگذاری دیده می‌شد، بررسی دوباره با حضور پژوهشگر سوم به پذیرش نهایی و گنجاندن مضمون مورد توافق کمک کرد.

در این پژوهش، هر نفرین به روش تحلیل محتوا و با کدگذاری محوری در سه سطح یک تا سه بررسی شد. پس از درج نفرین‌ها در جدول‌های کدگذاری، در سطح یک، مشخص شد که محتوای هر نفرین در پیوند با چه مضمونی است (برای نمونه، درد یا مرگ یا مصیبت و موارد مشابه) و تک تک برای همه نوشته شد. در سطح دو، مضامین مستخرج از نفرین‌های سطح یک در شاخه‌های کلی تری نام‌گذاری و خوشه‌های جامع‌تری از مضامین مشترک تهیه شد. در سطح سه، کدگذاری نهایی منجر به استخراج مضامین نهایی و طبقه‌های کلی نفرین‌ها شد. بنابراین، نفرین‌ها بر اساس کدهای مشترک، طبقه‌بندی شدند و در نهایت با شمارش دستی، تعداد نفرین‌های ناظر بر هر مضمون و در صد مربوط به هر یک استخراج شد. در پایان، بر مبنای یافته‌های به‌دست آمده از مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها، به واکاوی محتوای هر گروه نفرین و بحث در مورد ارتباط آن با فرهنگ و زبان پرداخته شد.

۵. یافته‌های پژوهش

بررسی آثار پژوهشی مرتبط با نفرین‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها نشان می‌دهد که نفرین‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از کاربرد زبان در زندگی روزمره به شمار می‌روند. با وجود اینکه در فرهنگ ایرانی-اسلامی نفرین کردن کار پسندیده‌ای به شمار نمی‌رود؛ نفرین‌ها کم و بیش در گفتمان افراد

جامعه حضور دارند و افراد برای کاهش ناراحتی، بیان عصبانیت، مسائل روان‌شناختی یا مسائل تربیتی از نفرین بهره می‌گیرند. تحلیل محتوای نفرین‌های گردآوری شده در پژوهش حاضر با استفاده از شیوه کدگذاری محوری نشان می‌دهد که در فرهنگ و زبان فارسی، نفرین‌ها را می‌توان از جنبه محتوا به ده گروه یا طبقه دسته‌بندی کرد. یافته‌های پژوهش، که در جدول (۱) خلاصه شده‌است نشان می‌دهد که این ده طبقه، از جنبه محتوا و مضمون شامل موارد زیرند:

جدول ۱: مضامین مرسوم در نفرین‌های زبان فارسی

شماره	نوع طبقه‌بندی داده‌ها	زیر شاخه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱	مرگ	۱۴	۹۴	٪۷۷.۴۱
۲	درد و بیماری	۹	۳۲	٪۲۲.۱۴
۳	خیرندیدن و بدبختی	۶	۳۰	٪۱۳.۳۳
۴	عضو و نقص فیزیکی	۷	۲۵	٪۱۱.۱۱
۵	رزق و روزی	۶	۲۱	٪۹.۳۳
۶	مصیبت	۲	۶	٪۲.۶۶
۷	حساب و کتاب	۲	۶	٪۲.۶۶
۸	شرافت خانوادگی	۲	۵	٪۲.۲۲
۹	بی‌سعادت	۳	۳	٪۱.۳۳
۱۰	پس از مرگ	۲	۳	٪۱.۳۳

بررسی فراوانی نفرین‌های موجود در فهرست تهیه شده در داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نفرین‌هایی که با مضمون و محتوای مرگ به کار می‌روند بالاترین فراوانی را دارند و ۷۷.۴۱ درصد از کل نفرین‌های موجود در فهرست نفرین‌های فارسی را در بردارد. در رده دوم فراوان‌ترین نفرین‌ها، از آن طبقه درد و رنج و بیماری است؛ یعنی شخص نفرین‌کننده برای مخاطب آرزوی بیماری و رنج می‌کند. فراوانی این دسته ۳۲ و شامل ۲۲.۱۴ درصد از کل نفرین‌ها است. پس از آن، در دسته سوم خیرندیدن و بدبختی با ۳۰ داده، ۱۳.۳۳ درصد را داراست. سپس، گروه‌های عضو و نقص فیزیکی، رزق و روزی، مصیبت، حساب و کتاب، شرافت خانوادگی، بی‌سعادت و پس از مرگ به ترتیب با درصدهای ۱۱.۱۱، ۹.۳۳، ۲.۶۶، ۲.۲۲، ۲.۳۳، ۱.۳۳ در دسته‌های بعدی قرار می‌گیرند. در ادامه بررسی نفرین‌ها، برای هر مضمون جداگانه جدول مربوط و زیرشاخه‌های محتوایی و مضمونی هر یک از دسته‌های ده‌گانه شرح داده می‌شود.

۵. ۱. مضامین اصلی در نفرین‌های مرگ در زبان فارسی

مضمون مرگ یکی از مضمون‌های اصلی موجود در نفرین‌هاست که شامل مفاهیمی چون نیست و نابود شدن، غسل میت، دفن شدن، مرگ با ذلت، مرگ ناگهانی و مواردی از این قبیل است. بیشترین مضمون اولیه در این گونه نفرین‌ها، نفرین نیست و نابود شدن با فراوانی ۲۵ داده و کمترین آن‌ها با ۱ داده، مربوط به نفرین‌های عزا، سنگ قبر و عمر کوتاه به طور یکسان است.

شاید بتوان یکی از دلایل فراوانی نفرین مرگ را نسبت به سایر موارد مربوط به فرهنگ جامعه ایرانی دانست. از دید صنعتی، در جامعه ایران، به ویژه پیش از دین اسلام، شاید به جز مذهب زرتشت که بسیاری از جنبه‌های آن معطوف به زندگی و حیات است، بخش مهمی از آئین‌ها، باورها و فولکلورمان در حوزه‌های فرهنگی گوناگون، به مرگ‌اندیشی می‌گرایند و به نیستی و سوگ اشاره و دلالت می‌کنند (Sanati, 2004). پیشقدم و همکاران (Pishghadam et al., 2020) نیز عواملی از جمله مرگ‌اندیش و مرگ‌طلب بودن ایرانیان، غم‌ستایی و شادی‌گریزی در جامعه ایرانی را از علل کاربرد بسیار گفتمان مرگ‌محور می‌دانند (Pishghadam et al., 2020). از سویی، اگر چه در ادیان آسمانی، به ویژه دین مبین اسلام حقایقی از مرگ بازگو شده‌است؛ اما هنوز ناشناخته بودن مرگ و میل به جاودانگی سبب ترس از مرگ است. به باور حسینی تهرانی (Hosseini Tehrani, 2000) «مرگ، فرایندی است ترسناک که نشان اتمام همه چیز است یا وحشتناک‌ترین واقعیتی است که در زندگی هر کسی رخ می‌دهد و راه‌گیری از آن نیست» (Hosseini Tehrani, 2000, p. 140)؛ از این جهت، نابودی و مرگ طرف مقابل بالاترین و در واقع سخت‌ترین نفرینی است که برای نفرین‌شونده درخواست می‌شود.

در این شاخه نفرین، زیر شاخه‌هایی چون غسل میت، دفن که مربوط به آیین تدفین میت در اسلام است و نیز مواردی چون عزا، سنگ قبر، مجلس ختم و لباس سیاه عزا در مجموع با فراوانی ۲۸ از ۹۴، از جمله مواردی است که ریشه در جمع‌گرا بودن ایرانی‌ها و توجه به مراسم‌ها و برخاسته از آداب و رسوم و فرهنگ جامعه دارد.

جدول ۲: مضامین اصلی در نفرین‌های مرگ در زبان فارسی

ردیف	مضمون زیرشاخه‌ها	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	نیست و نابود شدن	از روی زمین ورت داره	۵۹۵.۲۶٪ (۲۵)
۲	غسل میت	الاهی (فلان اندام) ات رو تخته بیفتد!	۹۵۷.۱۵٪ (۱۵)
۳	جان دادن سخت و بد	الاهی پرپر بزنی!	۸۹۳.۱۴٪ (۱۴)
۴	مرگ آنی و ناگهانی	الاهی رو تخته مرده شور خونه از تنت در آرن!	۷۶۵.۱۲٪ (۱۲)
۵	دفن شدن	الهی خاک چشمات را پر کند!	۳۸۲.۶٪ (۶)
۶	جوان مرگی	الهی حجله ات مزار بشود!	۲۲۵.۴٪ (۴)
۷	مرگ با ذلت	الهی ذلیل بمیری!	۲۲۵.۴٪ (۴)
۸	مجلس ختم	الهی حلویت را بخورم!	۱۹۱.۳٪ (۳)
۹	خبر مرگ	الهی خبرت را بیاورند!	۱۹۱.۳٪ (۳)
۱۰	بیدار نشدن	کپه مرگ را بگذار	۱۹۱.۳٪ (۳)
۱۱	سیاه‌پوشی (لباس عزا)	الهی سیاهت را سرم کنم!	۱۲۷.۲٪ (۲)
۱۲	عمر کوتاه	الهی خدا صد سال عمر (فلان) را یک روز کند!	۰۶۳.۱٪ (۱)
۱۳	عزا	الاهی مادرت به عزایت بنشیند!	۰۶۳.۱٪ (۱)
۱۴	سنگ قبر	الاهی اسمش را روی سنگ بکنند!	۰۶۳.۱٪ (۱)
	جمع کل		۱۰۰٪ (۹۴)

۲.۵. مضامین اصلی در نفرین‌های درد و بیماری در زبان فارسی

نمونه‌های مضمون درد و بیماری پس از نفرین مرگ بالاترین فراوانی را دارد. در واقع، پس از نفرین مرگ، نفرین‌کننده درخواست بیماری برای طرف مقابل دارد تا به این سبب آشکارا ناراحتی او را ببیند. این گروه، با فراوانی ۳۲، شامل مفاهیمی همچون بیماری‌های پوستی، بیماری سل، بیماری بی‌درمان، درد و موارد مشابه است. بیشترین مضمون اولیه در این گونه نفرین‌ها «بیماری سل» با فراوانی ۸، و کمترین آن‌ها فلج شدن با فراوانی ۱ است. از ۳۲ داده این جدول ۱۰ مورد با واژه الهی بر شدت نفرین‌ها می‌افزاید.

جدول ۳: مضامین اصلی در نفرین‌های درد و بیماری در زبان فارسی

ردیف	مضمون زیرشاخه‌ها	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	بیماری سل	الهی جز جگر بزنی!	۲۵٪ (۸)
۲	درد	درد (فلان) بگیرد به جان (بهمان)!	۶۲۵٪ (۵)
۳	بیماری پوستی	الاهی آکله ی شتری به بالا و پاینت بریزد	۱۲٪ (۴)
۴	بیماری بی درمان	الهی دردت بی دوا بشود، حکیمت بی نسخه!	۱۲٪ (۴)
۵	تکه تکه شدن جگر	دل و جیگرت سر لگن پایین بیاد!	۳۷۵٪ (۳)
۶	بیماری مداوم	الاهی سر از بالین ورننداری.	۳۷۵٪ (۳)
۷	بیماری کشنده	زهر مار	۲۵٪ (۲)
۸	بیماری سفلیس	کوفت کاری	۲۵٪ (۲)
۹	فلج شدن	زمین گیر بشی	۱۲۵٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۳۲)

۳.۵. مضامین اصلی در نفرین‌های خیرندیدن و بدبختی در زبان فارسی

نمونه‌های مضمون خیرندیدن و بدبختی با فراوانی ۳۰، با مفاهیمی چون ناخوشی، بیچارگی، خیرندیدن و مواردی از این قبیل آورده می‌شود. بیشترین مضمون اولیه در این گونه نفرین‌ها بیچارگی با فراوانی ۱۳ و کمترین آن‌ها در به دری با فراوانی ۱ است.

جدول ۴: مضامین اصلی در نفرین‌های بی‌خیری و بدبختی در زبان فارسی

ردیف	مضمون زیرشاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	بیچارگی	الاهی به روز سیاه بیفتی	۳۳۳٪ (۱۳)
۲	خیرندیدن	الهی به حق پنج تن خیر (از عمر و جوانیت) نبینی!	۲۰٪ (۶)
۳	گرفتاری	الاهی جز بلاله بزنی!	۶۶۶٪ (۵)
۴	ناخوشی	الهی چشم خوش (از خواب) باز نکنی	۱۰٪ (۳)
۵	ذلت	خدا ذلیلش کند	۶۶۶٪ (۲)
۶	در به دری	الهی مرغ پریشان بشوی!	۳۳۳٪ (۱)
	جمع کل	-----	۱۰۰٪ (۳۰)

۵. ۴. مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به عضو و نقص فیزیکی در زبان فارسی
 نمونه‌های مضمون عضو و نقص فیزیکی با فراوانی ۷ زیرشاخه و ۲۵، شامل مفاهیمی چون چشم، زبان، پا، کمر و موارد مشابه است. بیشترین مضمون اولیه در این گونه نفرین‌ها مربوط به چشم و زبان با فراوانی یکسان ۷ و کمترین آن‌ها دست با فراوانی ۱ است. برخی موارد مانند الهی زبانت به اشهد ان لا اله الا الله نگرده! یا الهی لال از دنیا بروی، ارتباط نفرین را با فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.

جدول ۵: مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به عضو و نقص فیزیکی در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	چشم	تا کور شود هر آنکه نتواند دید	۲۸٪ (۷)
۲	زبان	الهی زبانت به اشهد ان لا اله الا الله نگرده!	۲۸٪ (۷)
۳	پا	چلاق شده	۱۶٪ (۴)
۴	کمر	جدت کمرت را بزند!	۱۲٪ (۳)
۵	گردن	گردن خرد	۸٪ (۲)
۶	پستان	پستانش آتش بگیرد	۴٪ (۱)
۷	دست	الهی کزدم کاشان دستت را بزند.	۴٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۲۵)

شاید بتوان فراوانی نفرین در شاخه چشم را به دلیل اعتقادات مردم به چشم زخم دانست. در صورتی که «بنابر اعتقاد عمومی، گروهی از مردم، دارای چشم یا نگاه بدشگون و شوم هستند. نگاه این افراد به هر کسی که جلب شود، برایش بدشانسی و مصیبت به بار می‌آورد» (Gholāmosseïn Zādeh, et al., 2010, p. 99-100)؛ از این روی، برخی از نفرین‌ها در حقیقت نفرین بر چشم بد است.

۵. ۵. مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به رزق و روزی در زبان فارسی
 نمونه‌های مضمون رزق و روزی با فراوانی ۲۰ و ۶ زیرشاخه شامل مفاهیمی چون محرومیت از نیازهای اولیه، روزی حرام و مواردی از این قبیل است. بیشترین مضمون اولیه در این گونه نفرین‌ها، محرومیت از نیازهای اولیه با فراوانی ۱۲ است و کمترین آن‌ها محرومیت از معاشقه و ازدواج با فراوانی ۱ است. از آن جاکه نیازهای اولیه با حیات انسان در ارتباط است، این نوع نفرین بر شدت آن می‌افزاید.

جدول ۶: مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به رزق و روزی در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	محرومیت از نیازهای اولیه	الهی آب بدود، نان بدود، تو به دنبالش!	۱۴۲.۵۷٪ (۱۲)
۲	روزی حرام	از گوشت سگ حرامترش باشد!	۲۸.۱۴٪ (۳)
۳	از بین رفتن رزق	الهی به طلا دست بزنی خاک بشود	۵۲۳.۹٪ (۲)
۴	روزی کشنده	کوفت (یا زهر مار) ات بشود!	۵۲۳.۹٪ (۲)
۵	محرومیت از مقام	الهی به عرصه نرسی!	۷۶۱.۴٪ (۱)
۶	محرومیت از معاشقه و ازدواج	الاهی کف پایت مهتاب را نبیند!	۷۶۱.۴٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۲۰)

نمونه نفرین رزق را در اوستا نیز داریم و در آنجا «یکی از بهترین آفرینندگان مزدا یعنی آب را مورد خطاب قرار داده و خواسته است که نصیب برخی افراد نگردد: آب از آن کسی که از میان بد اندیش است مباد، آب از آن کسی که از ما بدگفتار است مباد» (Fahimipour, 2017, p. 70). (Dehrami & 70).

۶.۵. مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به مصیبت در زبان فارسی

نمونه‌های مضمون مصیبت که یکی از مضمون‌های اصلی موجود در نفرین‌هاست با مفاهیمی چون مرگ عزیز با ۴ داده و مرگ والدین با ۲ داده، بیشترین و کمترین مضمون، آورده می‌شود.

جدول ۷: مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به مصیبت در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	مرگ عزیز	الهی مرده عزیزت را بغل کند!	۶۶۶.۶۶٪ (۴)
۲	مرگ والدین	الهی ننه ات زیر گل برود!	۳۳۳.۳۳٪ (۲)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۶)

پیوند و هم‌پوشانی برخی مضامین در نفرین‌ها به خوبی دیده می‌شود. برای نمونه مرگ والدین از طرفی با زبانه‌نگ مرگ و از طرفی با زبانه‌نگ خانواده در ارتباط است و اهمیت مرگ و خانواده را در فرهنگ ایرانیان نشان می‌دهد. جدای از این، به مسئله عواطف و احساسات که در فرهنگ ایرانیان بسیار قوی است، نیز اشاره دارد.

۵.۷. مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به حساب و کتاب در زبان فارسی

نمونه‌های مضمون حساب و کتاب با مفاهیمی چون واگذاری به خدا و مقابله به مثل به ترتیب با فراوانی ۵ و ۱ می‌آید.

جدول ۸: مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به حساب و کتاب در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	واگذاری به خدا	الهی به لعنت خدا گرفتار شی	۳۳.۳۳٪ (۵)
۲	مقابله به مثل	همین جور که تن منو می لرزونی...	۶۶.۶۶٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۶)

۵.۸. مضامین اصلی در نفرین‌های مربوط به شرافت خانوادگی در زبان فارسی

نمونه‌های مضمون شرافت خانوادگی با مفاهیمی همچون بی‌آبرویی و فحش به ترتیب با فراوانی ۲ و ۱ می‌آید.

جدول ۹: مضامین اصلی در نفرین‌های شرافت خانوادگی در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	بی‌آبرویی	به تهمت ناحق گرفتار بشی!	۶۰٪ (۳)
۲	فحش	بی‌پدر مادر	۴۰٪ (۲)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۵)

بر مبنای آنچه پیشقدم (Pishghadam, 2012) در راستای تشریح مفهوم زبانهنگ مطرح کرده‌است، کاربرد این نوع پاره‌گفته‌ها در زبان فارسی حکایت از نقش مهم خانواده در فرهنگ فارسی دارد و به نقل از او «ایرانیان گاهی در بیان تعریف و تمجید و حتی لعن و نفرین به نقش تربیتی خانواده به ویژه پدر و مادر اشاره می‌کنند» (Pishghadam, 2012, p. 52). مادرمرده، بی‌پدر و مادر، نفرین به اون شیری که تو خوردی و نمونه‌های روشنی از کاربرد این زبانهنگ در محاوره روزمره است که می‌تواند در ترکیب با زبانهنگ‌های دسته‌های دیگر نفرین نوعی فرازبانهنگ قلمداد شده و فرهنگ جایگاه رفیع خانواده و تأکید بر نقش مستقیم و غیر مستقیم تربیت خانوادگی را نشان دهد.

۵. ۹. مضامین اصلی در نفرین های مربوط به بی سعادتی در زبان فارسی

نمونه های مضمون بی سعادتی با مفاهیمی چون ناامیدی و شفاعت و روسیاهی قیامت هر کدام با یک داده به طور یکسان آمده است.

جدول ۱۰: مضامین اصلی در نفرین های مربوط به بی سعادتی در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	ناامیدی	الهی از دو دنیا نا امید بشوی!	۳۳۳. ۳۳٪ (۱)
۲	شفاعت	الهی از شفاعت محمد بی نصیب بشوی!	۳۳۳. ۳۳٪ (۱)
۳	روسیاهی قیامت	الهی پیش حضرت فاطمه رو سیاه بشوی!	۳۳۳. ۳۳٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۳)

باور به شفاعت و حضور در برابر ائمه علیهم السلام از اعتقادات دینی جامعه ایران است که در نفرین ها نیز نمایان شده است.

۵. ۱۰. مضامین اصلی در نفرین های پس از مرگ در زبان فارسی

نمونه های مضمون پس از مرگ با مفاهیمی چون بی نام و نشانی و عذاب آتش به ترتیب با فراوانی ۲ و ۱ بیان می شود.

جدول ۱۱: مضامین اصلی در نفرین های پس از مرگ در زبان فارسی

ردیف	زیر شاخه	نمونه	درصد (فراوانی)
۱	بی نام و نشانی پس از مرگ	گوربه گوری	۶۶۶. ۶۶٪ (۲)
۲	عذاب آتش	آتش به گورت بگیره	۳۳۳. ۳۳٪ (۱)
-	جمع کل		۱۰۰٪ (۳)

وجود سفارشات که در دین اسلام در باب احترام به اموات از جمله یاد آن ها و فاتحه و موارد مشابه وارد شده، در فرهنگ و زبان مردم نیز تأثیر داشته است و شاید بتوان گفت این فرهنگ باعث شده در جامعه ایران، نفرین های پس از مرگ کمتر کاربرد داشته باشد. پیشقدم و همکاران (Pishghadam, et al., 2020) به رابطه مستقیم مردن افراد با تقدس آنان در جامعه ایران، اشاره می کند و می گوید: «نگاهی به گذشته نشان می دهد که معضل فرهنگی مرده پرستی و توجه بیش از حد به مردگان از دیرباز با ایرانیان همراه بوده است. در واقع، در فرهنگ عامه مردم ایران، خصلت

مرده‌پرستی بیشتر به شکل یک عادت عمومی و سنت پایدار در آمده‌است» (Pishghadam, et al., 2020, p. 200).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که می‌دانیم، در فرهنگ مردم ایران، مفاهیم مرتبط با انواع مختلف نفرین به کار می‌رود. نفرین، در مقابل دعای خیر قرار می‌گیرد. میزان و نوع کاربرد نفرین در گفتمان اشخاص به باور و اعتقاد و زمینه‌های فرهنگی آن‌ها بستگی دارد. در فرهنگ ایرانیان، نفرین کردن سابقه‌ای طولانی دارد. دهرامی و فهیمی‌پور (Dehrami & Fahimipour, 2017)، دعا و نفرین را از یک سو به عنوان یکی از موضوعات دینی دانسته و از سوی دیگر از بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه می‌دانند. دعا و نفرین از موضوعات و مضامین پر بسامد در آثار فارسی پیش از اسلام است تا جایی که در نخستین آثار ایرانی نیز بازتاب یافته‌است. اصل نفرین و دعا یکسان است و بر اساس آن برای تحقق امری از نیروهای فراطبیعی درخواست یاری می‌شود. دهرامی و فهیمی‌پور (همان) همچنین اشاره می‌کند در اوستا موجودات یا صاحبان صفات اهریمنی نفرین شده و در کتیبه‌های هخامنشی نیز نفرین با کارکردهای مختلفی بازنمایی شده‌است. بلایا و مصیبت‌هایی که در این نفرین‌ها درخواست شده، بیشتر دنیوی و شامل بی‌فرزند و نسل شدن و به هدر رفتن کارها و بی‌نتیجه ماندن آن‌هاست (Dehrami & Fahimipour, 2017, p. 77).

پیشقدم نیز انگیزه‌های احتمالی نفرین را به هشت گروه دسته‌بندی می‌کند: ۱. نشان دادن خشم؛ ۲. عجز و درماندگی؛ ۳. توهین؛ ۴. ضرر؛ ۵. گلایه؛ ۶. رفع بلا؛ ۷. دعا؛ ۸. دلسوزی (Pishghadam et al., 2014, p. 60-64). یافته‌های او با نتایج این پژوهش که نشان می‌دهد نفرین‌ها قابل طبقه‌بندی به مضامین متفاوت هستند، همخوانی دارد. یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی‌های انجام‌گرفته در ارتباط با زبانهنگ نفرین نشان از تنوع نفرین‌ها در زبان فارسی دارد. یکی از مباحثی که در ارتباط با زبانهنگ نفرین در فرهنگ فارسی قابل طرح است، ارتباط این زبانهنگ با مفهوم هیجامد است. هیجامد که ترکیبی از حواس، هیجان و بسامد است، اشاره به این واقعیت دارد که واژگان در هر زبان دارای درجه‌های متفاوتی از حس عاطفی برای افراد یک جامعه زبانی هستند که هیجامد آن واژه نامیده می‌شود؛ از این رو، هر قدر که سطح هیجامد واژه‌ای بر اساس تجربه‌های گوناگون که افراد از طریق حواس پنج‌گانه مانند شنیدن، دیدن و لمس کردن به دست آورده‌اند، بالاتر باشد آن واژه برای سخن‌گویان آن جامعه زبانی قابل درک‌تر خواهد بود. بنابراین، زبانهنگ نفرین از دیدگاه هیجامد نیز در بعد کاربرد شفاهی و کتبی قابل بررسی است.

پیامد افزایش سطح درک و شناخت یک واژه برای سخنگویان یک زبان، بسیاری شمار واژگان مرتبط با آن در زبان خواهد بود؛ بنابراین، شاید بتوان چنین ادعا کرد که میان درجه هیجامد واژگان و بی‌شماری آن‌ها در زبان ارتباط مستقیم وجود دارد (Pishghadam et al., 2013, p. 150-151). بر اساس آن‌چه در ارتباط با هیجامد گفته شد، شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که به دلیل اهمیت و گستردگی کاربرد این زبانهنگ در فرهنگ ایران و نیز تنوع محتوایی آن در جامعه، میزان تجربه و در نتیجه درجه هیجامد فارسی زبانان در ارتباط با این زبانهنگ در سطح بالایی قرار گرفته‌است. تقریباً همه افراد جامعه از این زبانهنگ استفاده کرده و به سطح هیجامد درونی از آن دست یافته‌اند. فراوانی بالای نفرین‌های دارای مضمون مرگ در پژوهش حاضر در پیوند با همین موضوع است. بر اساس هیجامد نفرین مرگ می‌توان چنین ادعا کرد که گستردگی تجربیات افراد در مورد مرگ دوستان و آشنایان و نهادینه‌شدن مفهوم گریزناپذیری از مرگ در افراد، کاربرد این نوع نفرین را نسبت به سایر نفرین‌ها بیشتر کرده‌است. همچنین از آن‌جا که هیجامد افراد نسبت به برخی مفاهیم در سطح کمتری قرار دارد، کاربرد آن‌ها در زبان فارسی کمتر است؛ برای نمونه، طبقه نفرین پس از مرگ، فقط ۳ داده و ۱,۳٪ از کل را در بردارد و می‌توان گفت از آن‌جا که پس از مرگ تا زمان حیات افراد، قابل تجربه نیست، هیجامد افراد به آن بیرونی است و در زبان نیز کمتر پدیدار شده‌است. به هر روی، پیوند اعتقادات فرهنگی و مذهبی با بسیاری از نفرین‌ها به روشنی دیده می‌شود: در شاخه نفرین مرگ، زیر شاخه‌هایی چون غسل میت، دفن که مربوط به آیین تدفین میت در اسلام است و نیز مواردی همچون عزا، سنگ قبر، مجلس ختم و لباس سیاه عزا از جمله مواردی است که برخاسته از آداب و رسوم و فرهنگ جامعه است. برخی موارد نیز مانند الهی زبانت به اشهد ان لا اله الا الله نگردد! یا الهی لال از دنیا بروی، ارتباط نفرین را با فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد. اعتقاد به شفاعت از اعتقادات دینی جامعه ایران است که در برخی نفرین‌ها چون «الهی از شفاعت محمد بی نصیب بشوی»، نمایان شده‌است. برخی نفرین‌ها ریشه در باورهای عامه دارد؛ برای نمونه، اعتقاد و باور به چشم و نگاه بدشگون برخی نفرین‌ها را چون «تا کور شود هر آنکه نتواند دید» می‌سازد. ارتباط نفرین با فرهنگ در شیوه بیان نفرین و مرجع تمسک نیز قابل پیگیری است. به گفته پیشقدم و وحیدنیا (Pishghadam & Vahidniya, 2015) ایرانیان برای نسبت دادن دعا‌های خود، به مذهب خود رجوع می‌کنند. همین نکته در مورد نفرین‌ها نیز صادق است.

کلام آخر اینکه همان گونه که زبان مجموعه‌ای از مهارت‌ها، اجزا، روابط لفظی، معنایی، آوایی و نحوی است، روابط فرهنگی درون زبانی نیز تصادفی و بدون ساختار نیست. فرهنگ

وابسته به هر زبان مجموعه‌ای از زبانهنگ‌ها و فرا زبانهنگ‌هاست که هریک در جای خود قابل بررسی است. در این پژوهش، هر یک از مضامین نفرین به عنوان یک زبانهنگ تلقی شده که در ارتباط با مضامین دیگر نفرین فرازبانهنگ کلی تر نفرین را تشکیل می‌دهد. این نوع رابطه درباره سایر مفاهیم فرهنگی موجود در زبان مانند ناسزا^۱، تملق، دعا، مدح و هجو و موارد مشابه نیز قابل بررسی است.

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۸). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: اسوه.
- انوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن. ج ۸. تهران: انتشارات سخن.
- امینی، امیرقلی (۱۳۵۳). فرهنگ عوام. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- بی، ارل (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. ج ۲. تهران: سمت.
- پیشقدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی «زبانهنگ» به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ کاوی زبان». *مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)*. شماره ۱۴. صص ۴۷-۶۲.
- پیشقدم، رضا و پریا نوروز کرمانشاهی (۱۳۹۵). «ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای «حاجی» لقب و وابسته‌های ویژه در زبان فارسی». *زبان پژوهی*. سال ۸. شماره ۲۰. صص ۴۵-۷۱.
- پیشقدم رضا و فاطمه وحیدنیا (۱۳۹۴). «کاربردهای دعا در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز». *جستارهای زبانی*. شماره ۷. پیاپی ۲۸. صص ۵۳-۷۲.
- پیشقدم، رضا، مریم طباطبائیان و صفورا نوری (۱۳۹۲). *تحلیل انتقادی و کاربردی نظریه‌های فراگیری زبان اول از پیدایش تا تکوین*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیشقدم، رضا، فاطمه وحیدنیا و آیلین فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی». *مطالعات زبان و ترجمه*. دوره ۴۷. شماره ۲. صص ۴۵-۷۱.
- پیشقدم، رضا، آیدا فیروزیان پوراصفهانی و آیلین فیروزیان پوراصفهانی (۱۳۹۹). «معرفی زبانهنگ مرگ‌محوری و شادی‌گریزی از طریق تفحص در گفتمان‌شناسی «مرگ» در زبان فارسی». *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*. سال ۲۱. شماره ۴۹. صص ۲۰۶-۱۸۱.
- ترادگیل، پیت (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی در آمدی بر زبان و جامعه*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- ثروت، رضا و منصور انزابی نژاد (۱۳۷۷). *فرهنگ لغات عامیانه و معاصر*. تهران: سخن.

¹ Curse

- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۴۱). *فرهنگ لغات عامیانه*. به کوشش محمدجعفر محبوب. تهران: ابن سینا.
- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). *مبانی نشانه‌شناسی*. ترجمه مهدی پارسا. تهران: انتشارات سوره مهر.
- حسینی تهرانی، محمدحسین (۱۳۷۹). *معادشناسی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۰). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دهرامی، مهدی و مجتبی فهیمی پور (۱۳۹۶). «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه». *مطالعات ایرانی*. سال ۱۶. شماره ۳۱. صص ۶۵-۷۹.
- راغب اصفهانی، حسن (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن (مفردات الفاظ قرآن)*. بیروت ادمشق: دارالعلم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرامی، قدمعلی (۱۳۶۸). *از رنگ گل تا رنج خار*. چ ۴. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶). *پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)*. تهران: دانشگاه امام صادق.
- شاملو، احمد و آیدا سرکیسیان (۱۳۹۷). *کتاب کوچک*. ۱۴ ج. تهران: انتشارات مازیار.
- صنعتی، محمد (۱۳۸۳). «فاجعه و زیبایی‌شناسی سیاه مرگ‌اندیشی و هنر ایرانی». *کتاب ماه هنر*. شماره ۷۵-۷۶. صص ۱۳-۳.
- غلامحسینزاده، غلامحسین، محمود روح‌الأمینی و افسون قنبری (۱۳۸۹). «عوامل چشم‌زخم در شعر شاعران فارسی». *کهن‌نامه ادب پارسی*. سال ۱. شماره ۱. صص ۹۳-۱۱۰.
- فاولر، راجر (۱۳۹۵). *سبک و زبان در نقد ادبی*. مریم مشرف. تهران: نشر سخن.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۸۶). «آفرین و ناآفرین در فرهنگ مردم بختیاری». *فرهنگ مردم ایران*. شماره ۱۱. صص ۶۹-۸۸.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معین، محمد (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی (متوسط)*. ج ۴. چ ۱۷. تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۶). *ترجمه جامع السعادات: علم اخلاق اسلامی*. ج ۱. ترجمه سیدجلال الدین مجتبیوی. چ ۹. تهران: حکمت.

References

Quran.

Amini, A, G. (1974). *The Culture of the People*. Isfahan: Isfahan: Isfahan University Press [In Persian].

Anvari, H. (2003). *Comprehensive dictionary Persian to Persian*. Tehran: Sokhan [In Persian]

- Babbie, E. (2005). *The Practice of Social Research*. (R. Fazel, Trans.), Tehran: SAMT [In Persian]
- Bagatin, M. (2019). ROMANO-ARABICA XIX Curses and Profanity in the Languages and Cultures of the Middle East and North Africa editura universității din bucurești. XIX. 207-222.
- Chandler, D. (2007). *The Basics Semiotics Mehdi Parsa*. Tehran: Sure-ye Mehr [In Persian]
- D'Anna, L. (2014). Aspects of verbal Politeness in Maghrebi Arabic Dialects (Unpublished PhD Dissertation). University of Nepal, Naples, Italy.
- Dekhoda, A, A. (2000). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: Publishing and Printing Institute of the University of Tehran [In Persian]
- Dehrami, M., & Fahimipour, M. (2017). Blessing and Imprecation in Ancient Iranian and Middle Persian Works. *Journal of the Iranian Studies*. 16 (31), 65-79 [In Persian].
- Fowler, R. (2016). *Style and Language in Literary Criticism*. (M. Mosharraf, Trans), Tehran: Sokhan [In Persian]
- Ghanbari Adivi, A. (2007). Prayer and curse in the culture of Bakhtiari people .Culture of the Iranian people, 11, 69-88 [In Persian].
- Gholāmhossein Zādeh, Gh. H. Rouh-ol-Amini, M., & Ghanbari, A. (2010). The Holders of Evil Eye in the Poetry of Persian Poets. *kohan-name-ye-Adab-e Parsi*. 1 (1), 93-110 [In Persian].
- Hosseini Tehrani, M. H. (2000). *Resurrection*. Tehran: Islamic Culture Publishing Office [In Persian].
- Hughes, G. (2015). *An encyclopedia of swearing: The social history of oaths, profanity, foul language, and ethnic slurs in the English-speaking world*. United Kingdom: Routledge.
- Jamalzadeh, S. M. A. (1962). *Vocabulaire du Persan populaire*. Tehrrn: Ibn-Sina [In Persian].
- Jay, T. (2000). *Why We Curse: A Neuro-Psycho-Social Theory of Speech*. Philadelphia & Amsterdam: John Benjamins.
- Sharifi, Sh., and Ebrahimi, Sh. (2012), Assessing Speech Acts of Curses and Prayers in Persian. *Theory and Practice in Language Studies*, 2 (9), 1911-1916.
- Modarressi, Y. (2012). *An Introduction to the Sociology of Language*. Tehran :Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Moin, M. (2001). *Moin Encyclopedic Dictionary*. Tehran: Amirkabir [In Persian]
- Najafi, A. (1995). *Folk Persian culture*. Tehran: Niloufar [In Persian]
- Naraqi, M. M. (2007). *Jami-Al-saadat, Seyed Jalal-al-din Mojtavavi*. Vol 9. Tehran: Hekmat [In Persian]
- Pishghadam, Firouzian Pour Esfahani, A., Firouzian Pour Esfahani, I. (2020) Introducing Cherophobia Cultuling: A Close Look into the Discursive Functions of Death-oriented Terms in Persian Language. *Culture-Communication Studies* 21 (49), 181-206 [In Persian]
- Pishghadam, R. (2012). Introduced "Zbahang" as a transformational tool in the culture of mining Language Language and Translation Studies, 4, 47-62 [In Persian].
- Pishghadam, R., and Norouz Kermanshahi, P. (2016). Relationship between language, religion and culture: research and analysis of the functions of the

- Hajji and related terms in Persian language. *Zabanpazhuhi* 8(20), 45-71 [In Persian].
- Pishghadam, R., and Vahidniya, F. (2015) Uses of Praying in Persian and English Movies in the Light of Hymes` Model. *Language Related Research*. 6 (7), 53-72 [In Persian].
- Pishghadam, Reza et al. (2014) A Sociological Look into Speech Act of Cursing: A comparison of Persian and English Languages. *Language and Translation*. 2(47), 45-71.
- Pishghadam, Reza., Tabatabaian, M., & Navari, S., (2013). *A Critical and Practical Analysis of First language Acquisition Theories the Origin and Development*. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad [In Persian].
- Pishghadam, Reza., Vahid nia, F., Firouzian Pour Esfahani, I. (2015) A Sociological Look into Speech Act of Cursing: A comparison of Persian and English Languages. *Language and Translation* 47(2), 45-71[In Persian].
- Ragheb Isfahani, H. (1992). *Vocabulary of Quranic words*. Beirut/Damascus: Dar-al-Elm [In Arabic]
- Sanati, M. (2004). Disaster and beauty of the Death mindedness and Iranian Art. *Monthly Book of the Month of Art*. 75-76, 3-13 [In Persian].
- Saroukhani, B. (2003). *Research Methods in social sciences*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Sarrami, Gh. A. (1989). *From the color of flowers to the the Sting of Thorn: The morphology of the tales of Shahnameh*. Tehran: Elmi-Farhangi [In Persian]
- Servat, M., and Enzabi Nejad, R. (1998). *Folk and contemporary vocabulary*. Tehran: Sokhan [In Persian]
- Seyed-Emami, K. (2007). *Research in political science (positivist, interpretive and critical approaches)*. Tehran: Emam Sadegh University [In Persian]
- Shamlou, A., and Sarkisyan, A. (2018). *Kuce*. 14 Vols. Tehran: Maziyar. [In Persian].
- The Holy Qur'an. (2009). (M. Ellahi Ghomshei, Trans.) Qom: Osveh [In Arabic & Persian].
- Trudgill, P. (1997). *Sociolinguistics: An introduction to language and society*. (M. Tabatabai, Trans.). Tehran: Agah [In Persian].

